



تقویت در قرآن

مختصری در باب

یکی از شیوه های تربیت اسلامی کرامت شخصیت است که با توجه به آیات و روایات در این مورد به دست می آید که انسان کریم النفس و بزرگوار خود را به گناه آلوده نمی کند؛ و این بیان همان تقویت ثانویه است.

مقدمه:

در این مقال مختصر بنا، بر این است که در مورد "تقویت" از دیدگاه قرآن بحث شود و باید اقرار کرد که در این مختصر نمی توان از عهده این مهم برآمد، اما آب دریا را می توان با قطره ای چشید.

واژه تقویت واژه ای روان شناسانه است که این علم، به نحوی خاص آن را تعریف کرده است. پس وقتی صحبت از تقویت در قرآن است، از دیدگاه و زاویه روان شناسی و تربیتی به قرآن می نگریم، نعوذ بالله قصد تفسیر به رأی نداریم، بلکه آیاتی از کلام الله مجید را در این زمینه استخراج کرده، جمع بندی می نمایم.

تقویت

هرگاه باعرضه یک رویداد خوشایند باعث تکرار

رفتاری بشویم از تقویت مثبت استفاده کرده ایم. این مانند آن است که با دادن یک شکلات سلام گفتن کودکی را تقویت کنیم. اما اگر با حذف یک عامل ناخوشایند باعث تکرار رفتار شویم، تقویت منفی را به کار برده ایم و این امر به این می ماند که معلمی به دانش آموزان خود بگوید: "اگر انشای خود را در کلاس بنویسید، از تکلیف شب معاف خواهید شد."

خداوند متعال در آیات خود با دادن وعده بهشت برین و دیگر وعده های خوشایند ایمان آورندگان را به اعمال نیک وادار کرده است. "انسان وقتی انگیزه ای قوی برای دستیابی به هدفی مشخص داشته باشد، رسیدن به آن هدف که باعث ارضای انگیزه اش می شود، ثواب یا پاداشی به حساب می آید که مایه احساس لذت یا خوشحالی و خوشنودی در وی می شود و شکست در رسیدن به هدف مزبور نوعی کیفر است ... انسان - و بالطبع حیوان - به چیزی که مایه لذت باشد تمایل دارد و از چیزی که سبب رنج و درد است، پرهیز می کند. به همین دلیل انسان فطرتاً به یادگیری رفتارها و کارهایی تمایل دارد که سرانجام به تحصیل ثواب منتهی می شود."^۱ برای نمونه به چند آیه از کتاب محکم الهی اشاره می کنیم:

اولین بار "پاولوف" دانشمند روسی و صاحب تئوری شرطی کلاسیک در مبحث یادگیری از تقویت یاد کرد. او عواملی را که باعث می شد پاسخ شرطی تکرار گردد، "تقویت" نامید. بنابراین ارائه محرک طبیعی به منزله تقویتی است، برای ظهور پاسخ شرطی. در صورتی که محرک طبیعی (غذا یا پودر غذا) به ارگانیزم ارائه نشود، پاسخ شرطی به خاموشی می گراید. بعدها "ثورندایک" دانشمند آمریکایی (پسدر روان شناسی تربیتی) در پی تحقیقات بسیار تقویت را در قالب "قانون اثر" به طور مشروح بیان کرد.

اما تقویت، به بیان ساده عملی است که باعث تداوم پاسخ می شود؛ مثلاً اگر کودکی عملی نیک و شایسته انجام داد، متناسب با آن، او را پاداش بدهیم، احتمال تکرار رفتار مورد نظر افزایش خواهد یافت؛ به بیان دیگر، ما آن عمل را تقویت کرده ایم. تقویت اقسامی دارد. این تقسیم بندیها براساس ماهیت و نحوه کاربرد است. تقویت از لحاظ ماهیت به دو دسته: "تقویت اولیه" و "ثانویه" و از لحاظ نحوه کاربرد به دو دسته "مثبت" و "منفی" تقسیم می - شود.

زار برخیز که جز شخص تو بر آن مکلف نیست و مؤمنان را نیز ترغیب کن، باشد که خدا آسیب کافران را از شما دور بدارد.^۶

"(ای رسول) تو را به فتح آشکاری در عالم پیروز می گردانیم."^۷

تقویت منفی، همان گونه که ذکر آن رفت حذف عنصر ناخوشایند است برای تکرار یک رفتار مطلوب. خداوند سبحان در کتاب خود از عنصر توبه استفاده کرده است. در واقع توبه یعنی بازگشت به خدا و پشیمانی از رفتارهای گذشته. خداوند با حذف و بخشش گناهان گذشته (حذف عنصر ناخوشایند)، زمینه را برای تکرار رفتار نیکوی تواین فراهم می سازد.

"(ای رسول) بدان بندگانم که اسراف بر نفس خود کردند، بگو هرگز از رحمت خدا ناامید نشوید. البته خدا همه گناهان را (چون توبه کنید) خواهد بخشید، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است."^۸

"بگو (ای پیامبر) آن کیست که شما را از تاریکیها و سختیهای بیابان و دریا نجات می دهد، که او را به زاری و از باطن قلب می خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد، پیوسته شکر گزار اوهستیم."^۹

در این آیات خطاب به کسانی است که به نفس خود ظلم کرده و مرتکب خطا شده اند. خداوند سبحان با وعده بخشش و نجات و دوری از عذاب آنان را به عمل صالح تشویق می کند.

تقویت اولیه - عواملی را که قدرت انگیزشی و تسبوتی خود را از نیازهای فیزیولوژیکی بگیرند، تقویت اولیه می نامیم. به عنوان مثال می توان از آب و غذای نام برد. این عوامل قدرت تقبوتی خود را مدیون یادگیری نیستند و اساساً در نهاد هر آدمی وجود دارند.

"پیشی گیرندگان نخستین از مهاجرین و انصار و آنان که پیشی گیرندگان را به نیکویی پیروی کردند، خداوند از ایشان راضی و خوشنود است و ایشان نیز از خداوند خوشنودند و خداوند برای ایشان بوستانهایی که از زیر قصرها و درختان آنها نهرهای آب جاری است و همیشه در آن می مانند مهیا کرده و این پیروزی بس بزرگ است."^{۱۰}

"آنانند که پاداش ایشان آمرزش از جانب پروردگار است و باغهایی که از زیر درختان آن نهرها جاری است، در آن بهشتها جاوید متنعم خواهند بود."^{۱۱}

"واهل تقوا را البته (در بهشت) باغها و نهرهای جاری خواهد بود."^{۱۲}

در آیات زیادی از قرآن، خداوند از بهشت، این جزا و پاداش صالحان و انسانهای وارسته و شایسته، یاد کرده است. خداوند از این اهرم بارها و بارها استفاده کرده و با دادن وعده های نیکو به تقویت رفتار نیک صالحان پرداخته است.

"آنان در بهشت به عزت بر سریرهای زریقت

مرصع تکیه زند، همه شادان با یاران و دوستان روبروی یکدیگر بر آن سریرها تکیه می زنند و پسرانی که حسن و جوانی شان ابدی است گرد آنها خدمت می کنند با کوزه ها و مشربه ها و جامهای پراز شراب ناب ... و میوه خوش برگزینند و گوشت مرغانی که مایل باشند وزنان چشم زیبا."^{۱۳}

آیاتی که در مورد اوصاف بهشت در قرآن وجود دارد بسیارند و ما فقط به ذکر این نمونه ها اکتفا می کنیم.

تشویق خود یکی از جنبه های تقویت مثبت است که خداوند متعال پیامبرگرامی را امر نموده است که مؤمنان را تشویق به جهاد در راه خدا کند و با دادن وعده های پیروزی، آنان را به جهاد و فداکاری ترغیب نماید.

"پس (ای پیامبر) تو خود تنها در راه خدا به کار

قرارگیرد از نفوذ انگیزه های فیزیولوژیکی کاسته می شود. هرچند این انگیزه ها حیاتی هستند، اما در صورتی که ارضا شوند، انگیزه ها و نیازهای دیگر جلوه گر می گردد. این عوامل مستقیماً ریشه در نیازهای اولیه و حیاتی ندارند، بلکه خود دارای نیرو و قدرت تقویتی هستند که گاه به طور مستقل عمل می کنند و چندان قوی و قدرتمند می شوند که شخص نیازهای اولیه خود را به خاطر آن از یاد می برد. درقرآن از این انگیزه ها به منظور تشویق و ترغیب انسانها به اعمال نیک، استفاده شده است.

انگیزه رقابت: قرآن مردم را به رقابت در تقوای خدا، انجام کار نیک، پایداری در راه خدا و پایبندی به ارزشهای عالی دعوت می کند.

"ای بندگان به سوی آموزش پروردگارتان بشتابید و به راه بهشتی که عرضش به قدر پهنای آسمان و زمین است، آن بهشت برای اهل ایمان به خدا و پیامبرانش مهیا گردیده است."^{۱۲}

"پس به کارهای نیک پیشی بگیرید که بازگشت همه به سوی خداست."^{۱۳}

"آنان که در ایمان بر همه پیشی گرفتند، آنان به حقیقت مقربان درگاهند."^{۱۴}

درقرآن کریم انگیزه هایی که ریشه در نیازهای فیزیولوژیکی دارند به عنوان اهرمی تقویتی (در سطح ابتدایی) به کار رفته است.^۱

نیاز جنسی: در بعضی از آیات قرآن کریم با اشاره به خلقت زن و مرد، از آن به عنوان آیتی برای تفکر انسانها یاد کرده است:

"و باز یکی از آیات لطف الهی این است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافریدیم که در براو آرامش یافته، باهم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار شود و در این امر نیز برای مردم با فکر، ادله علم و حکمت حق آشکار است."^{۱۱}

نیاز به غذا: غذا از عوامل تقویتی اولیه است. خداوند مؤمنان و پیروان پیامبران را به عبادت و عمل صالح ترغیب کرده است و این امر در داستان موسی و مائده آسمانی آشکار است. در آیه زیر صریحاً به این نکته اشاره رفته است:

"چون خدا روزی شما را داد و شکم شما را سیر کرد، پس خدا را بپرستید."^{۱۱}

تقویت ثانویه - همیشه عوامل فیزیولوژیکی در تقویت رفتار مؤثر نیستند و هرچه انسان از نظر سطح فکر، دانش و فرهنگ در مرحله بالاتری

انسان به چیزی که مایه لذت باشد تمایل دارد و از چیزی که سبب رنج و درد است، پرهیز می کند. به همین دلیل انسان فطرتاً به یادگیری رفتارها و کارهایی تمایل دارد که سرانجام به تحصیل ثواب منتهی می شود.

برداشته، تا مدت دو سال که طفل را از شیر بازگیرد هر روز رنج ناتوانی اش افزوده شده است. نخست شکر من که خالقم، آن گاه شکر پدر و مادر را به جای آر که بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.^{۱۶}

کرامت انسان: یکی از عواملی که انسان را به اعمال خیر و دوری از رذایل می کشاند، همان حس کرامت و بزرگواری است. خداوند متعال با تأکید بر این امر که انسان از کرامت برخوردار است این زمینه روانی را در او ایجاد می کند که: "شایسته تونیست به گناه آلوده شوی. تو باید شخصیت خود را به لباس زیبای حسنات بیارایی." به تحقیق فرزند آدم را کرامت دادیم.^{۱۷}

به طور کلی یکی از شیوه های تربیت اسلامی کرامت شخصیت است که با توجه به آیات و روایات در این مورد به دست می آید که انسان کریم النفس و بزرگوار خود را به گناه آلوده نمی کند؛ و این بیان همان تقویت ثانویه است، یعنی از عناصر و عوامل غیر فیزیولوژیکی به عنوان انگیزه یک رفتار بهره گرفته شود.

انگیزه های فطری: ندایی در درون همه انسانها، آدمیان را به سوی حق می خواند. از این ندا در قرآن با عهد "ألسنت" یاد شده است.

"(ای رسول) به یاد آر (و خلق را متذکر ساز) هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: "بلی" ما به خدایی تو گواهی می دهیم؛ که دیگر در روز قیامت مگویند ما از این (واقعه یا یکتایی خدا) غافل بودیم."^{۱۵}

از جمله ویژگیهای انسان سپاسگزاری و تشکر است. او ذاتاً در مقابل هر احسان که به او می رسد سپاسگزار است. جمله معروف "الانسان عبيد الاحسان" بر همین اساس استوار است. خداوند متعال بایان نعمتها و نیکی دیگران از جمله والدین، انسانها را به سپاسگزاری از خود و والدین دعوت می کند.

"ما به انسان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر نیکی کند، خصوصاً مادر که چون بار حمل فرزند

پی نوشتها:

- ۱ - محمد عثمان، نجاتی: قرآن و روان شناسی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، صفحه ۲۲.
- ۲ - سوره توبه، آیه ۱۰۰.
- ۳ - سوره آل عمران، آیه ۱۳۶.
- ۴ - سوره حجر، آیه ۶۵.
- ۵ - سوره واقعه، آیات ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲.
- ۶ - سوره نساء، آیه ۸۵.
- ۷ - سوره فتح، آیه ۱.
- ۸ - سوره انعام، آیه ۶۳.
- ۹ - مطالب اشاره شده در این مبحث، بر داشت آزادی است از بحث "انگیزه های رفتاری در قرآن" از کتاب قرآن و روان شناسی
- ۱۰ - سوره روم، آیه ۲۱.
- ۱۱ - سوره قریش، آیات ۳ و ۴.
- ۱۲ - سوره حدید، آیه ۲۱.
- ۱۳ - سوره مائده، آیه ۴۸.
- ۱۴ - سوره واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱.
- ۱۵ - سوره اعراف، آیه ۱۷۲.
- ۱۶ - سوره لقمان، آیه ۱۴.
- ۱۷ - سوره بنی اسرائیل، آیه ۷۰.